**بنام مهربان خدای بخشنده**

ای مادر نوشتهٴ تو را بزبان پارسی مینویسم تا شیرین زبانی طیر الٓهی را از لسان عراقی بشنوی و آوازهای خوش حجازیرا فراموش کنی و اقرار کنی که بلبل معنوی بجمیع لسان در باغهای روحانی بر شاخسارهای قدسی در ذکر و بیانست تا از این آوازهای ظاهر آوازهای باطن بشنوی ای مادر از دل بگذر و بدلدار رو آور و از جان بگذر و بجانان فائز شو نهر قلب را ببحر مقلّب متصّل کن و رشتهٴ حب را بریشهٴ قرب محبوب محکم دار جان بی جانان بدرهمی نیرزد و دل بیدلدار بفلسی مقابل نه سر بی سرور در خاک به و دل بی درد سوخته به و گردن بی رشته بشمشیر بریده به بگو ایدوستان رو بدوست بخوابید و در فراش بخیال معشوق راحت گیرید و از گلها بوی محبوب بشنوید و از ناری روشن نور رخ یار در نظر آرید قسم بجان دوست که اگر پیراهن یوسفی ببوئی و بمصر دوستی خدائی درآئی مادر همهٴ مقرّبین شوی پس بجان در حبّ بکوش و بدل در منزل یار در آ غم روزگار را بأهلش وا گذار هیچ اعتنا بایّام دو روز دنیا مکن تا این پیراهن کهنهٴ دنیا از بدن فرو افتد و بر سریر باقی جاوید مسکن گیری و استبرق الٓهی در پوشی و از جام محبوب بادهٴ حب بنوشی و بشمع حب بر افروزی و جامهٴ حب بر دوزی اینست آن امریکه هرگز تغییر نمیکند پس بدان که همهٴ احکام الٓهی در هر عهد و عصر باقتضای وقت تغییر میکند و تبدیل میشود مگر شریعهٴ حب که همیشه در جریان و هرگز تغییر باو راه نیابد و تبدیل او را نجوید اینست اسرار بدایع الٓهی که ذکر نموده برای عباد خود و اوست بر همه بخشنده و مهربان .